



گاهنامه فرهنگی اجتماعی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)
سال چهاردهم / شماره ۲۹ / دی ماه ۹۸

کودکان در حال کارند

در گفتگو با لیلا چراغ ملایی، رئیس مرکز مشاوره دانشگاه:
مراکز مشاوره دانشجویی فرصت‌ها و چالش‌ها

دنیای ناشناخته

من کیستم



بسم الله تعالى



گاهنامه فرهنگی اجتماعی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)
سال ۱۴ / شماره ۲۹ / دی ماه ۹۸

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول و سردبیر:

زهرا جوان

هیئت تحریریه:

معصومه کرمی، زهرا جوان، مهدیه دیداری، زهرا نوروزی، مرضیه انبری، بهار سعیدی، فاطمه شاملو جانی بیگ

ویراستاری و بازبینی نهایی:

پریسا تیموری، زهرا جوان

صفحه آرا:

بهار سعیدی

نشانی:

تهران، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهرا (س)، دفتر انجمن اسلامی

تلفن:

۰۹۳۶۰۵۶۵۳۵۳

۸۸۰۴۸۰۲۶

نشانی صفحه اینستاگرام:

@angoman_islami_alzahra

نشانی کانال تلگرام و بله:

@anjomanalzahra

منتظر انتقادات و پیشنهادات شما هستیم.

فهرست مطالب

۳ سخن سردبیر

۳ یک لقمه کتاب

۴ عوامل شکل‌گیری مراجع نوظهور

۵ معرفی کتاب دختران آفتاب

۶ آنان که چون مرده ماران خفته گانند

۷ چرا ۱۳ آبان روز استکبار ستیزی؟

۸ صلح مظلومانه

۹ کودکان در حال کارند

۱۰ مراکز مشاوره دانشجویی فرصت‌ها و چالش‌ها

۱۳ دنیای ناشناخته

۱۴ من کیستم؟

۱۶ عشق با اسانس توت‌فرنگی

◀ یک لقمه کتاب...

مذهب علیه مذهب



◀ سخن سردبیر

زهرا جوان

اصلاح جامعه بدون اصلاح فرهنگ آن میسر نیست. ابعاد فرهنگ و تأثیر آن، بر خلاف باور برخی از افراد به احداث مراکز آموزشی خلاصه نمی شود. گستره ی فرهنگ و کار فرهنگی از جزئی ترین فعالیت های فردی تا جدی ترین مسئولیت های اجتماعی کشیده شده است. به همین دلیل ورود به عرصه فرهنگ و فعالیت های فرهنگی به دلیل ابعاد گسترده آن باید ورودی کارآمد، مداوم، همراه با مدیریت راهبردی و در یک کلام حرکتی جهادی باشد. تعبیری که از سوی مقام معظم رهبری بارها مورد استفاده قرار گرفت. «واقع قضیه این است که کارزار فرهنگی از کارزار نظامی اگر مهم تر نباشد و اگر خطرناک تر نباشد، کمتر نیست؛ این را بدانید واقعاً یک میدان کارزار است اینجا»

درک عمیق مفاهیم فرهنگی، هم برای مردم و هم برای مسئولان، می تواند ضمن بالا بردن هوشیاری آن ها، از رخنه های فرهنگی جلوگیری کند و این خود یکی از مهمترین ویژگی های یک فعالیت فرهنگی صحیح است.

«دو کار اساسی و اصلی در مسائلی فرهنگی باید انجام بگیرد که یکی تولیدات فرهنگی سالم در زمینه های مختلف است. یکی از این تولیدات فرهنگی می تواند در غالب نشریه ای در باب فرهنگ آن هم در دانشگاه ها باشد. مطبوعات برای نظام جمهوری اسلامی، یک مقوله تجملاتی و تشریفاتی نیست. شناسایی نیاز های فرهنگی نسل جوان از جمله مسائلی مهمی است که لازم است در نشریات به آن پرداخته شود. اگر چنانچه ما به مسئله ی فرهنگی در دانشگاه توجه کنیم، آن وقت هم دانشجو عاشق و راغب به علم میشود و دنبال علم و تحقیق میرود و هم استاد از حالت ادای تکلیف در کلاس درس خارج میشود.» مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

به همین دلیل این شماره از نشریه پیش رو سعی دارد تا در بخشی از آن برخی مشکلات پیش رو دانشجویمان و جامعه را بیان نموده و جهت پیشگیری از آسیب ها و تهدیدات، پیشنهادهای را ارائه دهد.

چرا؟ برای اینکه به میزان پیشرفت علم، آن دین شرک ناپود می شود - چرا که محافظ دین شرک، جهل است - و به میزان بیداری مردم و به وجود آمدن روح انتقاد در مردم، آرمانخواهی در مردم، در طول تاریخ، و حافظ وضع موجود بوده و این وضع از پیش از فتوایسسم تا در دوره فتوایسسم و بعد از آن، در شرق و غرب حتی در طول تاریخ بشری موجود بوده است... پیغمبران این دین - ادیان ابراهیمی - همواره بر روی همه چهره های حاکم - چه مادی و چه معنوی - و بر روی همه بتها - چه به قول فرانسس بیکن بتهای منطقی و چه بتهای جسمی، چه بتهای بشری، چه بتهای اقتصادی، و چه بتهای مادی - پنجه افکنده اند. پنجه در پنجه تمام مظاهر دین شرک - یعنی دین وضع موجود - می افکنده اند، و مسئولیت خود - پیغمبران ادیان ابراهیمی - و پیروانشان تغییر ریشه دار وضع موجود و جانسین کردن عدالت، میزان و قسط - که همواره در قرآن به عنوان هدف ارسال رسل تکرار می شود - بوده است و استقرار عدالت و میزان و قسط یعنی تغییر وضع موجود نه پذیرفتنش. بنابراین نتیجه ای که می خواهیم بگیریم این است که، در طول تاریخ، دین در برابر بی دینی نبوده، بلکه در برابر دین بوده و همیشه دین با دین می جنگیده است. دین توحید که بر آگاهی و بینایی، بر عشق و بر نیاز آدمی (یک نیاز فطری فلسفی) مبتنی است، در برابر دین شرک که زائیده جهل و ترس بوده، قرار داشته است.

این حرف که در قرن نوزدهم گفته شد که: دین تریاک توده هاسست تا توده ها به نام امید به بعد از مرگ، محرومیت و بدبختیشان را در این دنیا تحمل کنند، تریاک توده هاست تا مردم اعتقاد به این داشته باشند که آنچه پیش می آید در دست خداوند است و به اراده خداوند است و هر گونه کوشش برای تغییر وضع، برای بهبودی وضع خود و مردم، مخالفت با اراده پروردگار می باشد. لیت حرف راست است، راست است! اینکه گفتند: دین زائیده ترس موهوم مردم است، راست است! و اینکه گفتند: دین زائیده تبعیض و مالکیت و محرومیت دوره فتوادی است، راست است. اما این کدام دین است؟ دینی است که تاریخ هم همیشه در قلمروش بوده است غیر از لحظاتی که مثل برقی درخشیده و بعد هم خاموش شده است و همین دین شرک است... آن کسی که قرآن به سر نیزه می زند، قریش نیست که برای لات و عزا در برابر پیغمبر اسلام بایستد. او این شکل را به این شکل نمی تواند حفظ کند، می آید از داخل، بعد قرآن را به سر نیزه می زند و علی را می کوبد، یعنی خدا و محمد را می کوبد. به نام خلافت رسول خدا و به نام حکومتی که قانون اساسی آن، قرآن است بر تاریخ حکومت می کند و اصولاً خلیفه که به جهاد و حج می رود، باز دین شرک حکومت می کند..... آن دین دین شرک زائیده ترس و جهل مردم است. چرا؟ برای اینکه مذهبی های مشرک، یعنی کسانی که دین شرک را تبلیغ می کنند، می ترسند از اینکه مردم بیدار بشوند، باسواد بشوند، عالم بشوند، آشنا باشند، می خواهند معلومات منحصر به چیزهایی همیشگی و ثابت باشد و آن هم در انحصار خودشان.

عوامل شکل‌گیری مراجع نوظهور

تاملی در باب این پرسش که آیا سلبریتیزه شدن جامعه ایرانی از ماحصل‌های حتمی مناسبات دنیای مدرن است؟

بهار سعیدی

جامعه را یافته‌اند، مردم نیز در گزینش مراجع فکری خود دچار حیرانی و سرگردانی شده‌اند. در دوره‌ای که هر کس با نامی متفاوت چون سلبریتی و فعال مجازی و .. تریبونی را قبضه کرده و مشغول هدایت جامعه است! تشخیص سره از ناسره برای مردم کار آسانی نیست. در این میان سه قماش پیشنهاد این عرصه هستند:

خوانندگان، بازیگران و ورزشکاران. یعنی دقیقاً کسانی که بعضاً سخافت و سطحی‌نگری در سبک پوشش، لحن گفتار، تولیدات هنری و سلوک اجتماعی شان موج می‌زند اما در اوج اعتماد به نفسی کاذب، خود را

فرهنگ غیر بومی در جامعه و میل بخشی از آحاد مردم به ویژه نسل جوان به گسست از سنت‌ها و زندگی کردن به سبک متجددانه هستیم. انعکاس این مسئله را می‌توان در سلوک اجتماعی مردمی با هویت‌های دوگانه که ظاهر سنت و تجدد را در کنار هم دارند مشاهده کرد. یکی از تبعات این وضعیت میانه، ایجاد نوعی بحران در جایگاه گروه‌های مرجع فکری است. اگر مرجع فکری تا چندی پیش در چارچوب مناسبات سنتی نهادینه شده باشد، طی قرن‌ها طبقه روحانیت مهمترین و معتمدترین مرجع فکری برای ایرانی‌ها به شمار می‌آمد و با رسانه‌ای به نام

بی تردید این خواص و مراجع فکری هستند که جوامع بشری را در مسیر اعتلاء یا انحطاط به پیش می‌رانند و عوام جامعه چشم‌به‌گفتار و کردار آنان دارند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که عملکرد مراجع فکری جامعه در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز حتی به صورت منفردانه می‌تواند زمینه‌ساز تحولات عظیمی گردد. مراجع فکری می‌توانند با کاریزما و قدرت اثرگذاری بالایی که دارند، مردم را جذب و چون هیتلر آنها را به ورطه هلاکت بکشانند و یا چون امام خمینی ملتی را پشت سر خود به مقاصد مطلوب برسانند. مواجهه جامعه ایران امروز با جامعه جهانی در

محق می‌دانند تا در باره همه چیز اظهار نظر کنند. رسانه‌های مردم پسند مکتوب و تصویری در قالب‌های متفاوتی از جمله نشریات زرد و شوهای تلویزیونی چه در ماهواره و چه در رسانه ملی، عامل اصلی تبدیل برخی چهره‌های هنری و ورزشی به سلبریتی‌هایی با هواداران پرشمار بوده است. با ظهور و گسترش اینترنت به طور عمومی و به طور خاص زمانی که این فضا خاصیت تعاملی گرفت،

در برابر خیل کثیر مرجع‌ها و مرجع‌نماهایی که به یمن فناوری‌های نوین، فرصت اظهار فضل و نسخه‌پیچی برای آحاد جامعه را یافته‌اند، مردم نیز در گزینش مراجع فکری خود دچار حیرانی و سرگردانی شده‌اند. در دوره‌ای که هر کس با نامی متفاوت چون سلبریتی و فعال مجازی و .. تریبونی را قبضه کرده و مشغول هدایت جامعه است! تشخیص سره از ناسره برای مردم کار آسانی نیست.

منبر و مسجد، انحصار مرجع فکری جامعه را در اختیار داشت اما امروز با رقبای قدرتمندی چون سلبریتی‌ها مواجه شده و جایگاه بلامنازع خود را از دست داده است. در برابر خیل کثیر مرجع‌ها و مرجع‌نماهایی که به یمن فناوری‌های نوین، فرصت اظهار فضل و نسخه‌پیچی برای آحاد

این خواص و مراجع فکری هستند که جوامع بشری را در مسیر اعتلاء یا انحطاط به پیش می‌رانند تجربه تاریخی نشان می‌دهد که عملکرد مراجع فکری جامعه در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز حتی به صورت منفردانه می‌تواند زمینه‌ساز تحولات عظیمی گردد. مراجع فکری می‌توانند با کاریزما و قدرت اثرگذاری بالایی که دارند، مردم را جذب و چون هیتلر آنها را به ورطه هلاکت بکشانند و یا چون امام خمینی ملتی را پشت سر خود به مقاصد مطلوب برسانند.

دوران پست مدرن به کشاکش گذار از سنت به تجدد رسیده است؛ بدین صورت که از یک سو همچنان بسیاری از هنجارها و ارزش‌های سنتی و دینی در سطح جامعه حضور دارند، تولید و بازتولید می‌شوند و حتی به نسل‌های جدید نیز انتقال می‌یابند و از سوی دیگر در نتیجه ارتباط با جامعه جهانی و تاثیر پذیری از فرآیند جهانی‌شدن، خصوصاً از طریق فناوری‌های نوین ارتباطات، شاهد حضور مظاهر

◀ معرفی کتاب

دختران آفتاب

زهرا نعمتی



دختران آفتاب دخترانی از جنس نور، دخترانی جستجوگر، دخترانی که در پی حقیقتی گمشده هستند، در پی حقیقتی که سالیان زیادی است که گم شده است. حقیقتی در مورد زنان، زنانی که سال‌هاست در برابر مردان خود سکوت کرده‌اند و قدرت زنانه خود را گم کرده‌اند.

دخترانی در این داستان وجود دارند که نماد زنان جستجوگرند زنانی که نمیخواهند زیر بار ظلم روند ظلمی که در طول تاریخ گم شده است. ظلمی که مردان سالیان زیادی به زنان خود داشتند. این دختران به سفری دل‌انگیز و پر ماجرا میروند. سفری به سوی امام مهربانی، امامی که دل زائران خود را آرام می‌کند، هر کسی را به گونه‌ای که در این سفر حرف‌هایی در مورد زنان زده می‌شود که شنیدنی اما تاسف‌بار است. شنیده می‌شود که نه تنها در ایران بلکه در کل دنیا به زنان ظلم شده است.

دختران این داستان میخواهند رهایی از این مشکل را پیدا کنند و در جستجو منشأ این مشکل هستند. پس در بین راه به گفتگو می‌پردازند و سخنان همدیگر را نقض می‌کنند. اتفاقات جالبی در این سفر می‌افتد؛ اتفاقی که حال دختران این داستان را دگرگون می‌کند. اتفاقی می‌افتد که تلنگری می‌شود برای دختران این داستان، دخترانی که در جستجوی حقیقت‌اند، حقیقتی که سال‌هاست فراموش شده است.

صنایع سرگرمی، رشد قابل توجهی داشته است. با توجه به آنچه تا به حال گفته شد، فرهنگ سلبریتی ماحصل دنیای مدرن و جامعه جهانی است که ایران نیز از پیامد های آن بی نصیب نمانده اما برخلاف آنچه تصور می‌شود نمی‌توان پدیده سلبریتی را پدیده‌ای فراگیر و جهانی و غیر قابل سیاستگذاری دانست. به بیانی دیگر می‌توان مدعی بود که هر چند پیدایش رسانه‌های نوین ارتباطی و قرارگیری در عصر تجدد و ترویج مولفه‌های زندگی مدرن در جامعه ایرانی به واسطه فضای مجازی از عوامل مهم شکل‌گیری فرهنگ سلبریتی هستند اما پیدایش آن، محصول حتمی عوامل نامبرده نیست. چرا که فرهنگ سلبریتی به شکلی که امروز در ایران شاهد آن هستیم در اغلب کشورهای اروپایی خصوصاً غرب اروپا به دلیل وضوح و شفافیت سیاست‌گذاری فرهنگی، مجال ظهور نیافته است. در بسیاری از کشورهای مثل اتریش، سلبریتی به معنای مشهور بودن به دلیل مشهور بودن مطلقاً وجود خارجی ندارد. برخی شهروندان اتریشی نیز که به عنوان سلبریتی مطرح شده‌اند، تولید خارج این کشور هستند. بنابراین جهانی دانستن پدیده سلبریتی، نمی‌تواند ادعای صحیحی باشد. نظریات و ایده‌های عوامانه‌ای که در جانبداری از سلبریتی‌ها مطرح می‌شود چون: چه بخواهید و چه نخواهید سلبریتی‌ها حاکمان جهان رسانه‌ای ما شده‌اند و بهتر است به جای مبارزه با سلبریتی، وجود و سلطه آنها را بپذیرفت و یا سلبریتی‌ها منشأ ارزش افزوده‌ای هستند که می‌توان از آن به نفع جامعه بهره برد، ماحصل پذیرش این تفکر است که پدیده سلبریتی نتیجه حتمی دنیای مدرن است و نمی‌توان مانع ظهور آن شد. این استدلال نه تنها خود به ابزاری برای مخفی کردن اثرات سوء این پدیده بر جامعه و توجیه گردن دناست سلبریتی‌ها توسط خودشان بدل گردیده است بلکه یکی از عوامل ترویج فرهنگ سلبریتی است. سلبریتی بیشتر در کشورهای تولید می‌شود که سیاست‌های اقتصادی - فرهنگی آن اساساً مبتنی بر رویکرد نگاه ابژکتیو به انسان به عنوان نیروی مولد ارزش افزوده اقتصادی بوده و یا چون ایران سیاست فرهنگی منسجم و معرفی ندارد. نتیجه نبود سیاست فرهنگی برای رشد ضایعات و هزینه‌گری‌های فرهنگ، مساعدمی‌گردد. سلبریتی در ایران نه بر مبنای یک اراده بلکه بر مبنای فقدان اراده ظاهر شده که کیفیتی هزینه‌گرایانه مدنی در جامعه به تولید آن دامن زده است.

سلبریتی بیشتر در کشورهای تولید می‌شود که سیاست‌های اقتصادی - فرهنگی آن اساساً مبتنی بر رویکرد نگاه ابژکتیو به انسان به عنوان نیروی مولد ارزش افزوده اقتصادی بوده و یا چون ایران سیاست فرهنگی منسجم و معرفی ندارد. نتیجه نبود سیاست فرهنگی برای رشد ضایعات و هزینه‌گری‌های فرهنگ، مساعدمی‌گردد. سلبریتی در ایران نه بر مبنای یک اراده بلکه بر مبنای فقدان اراده ظاهر شده که کیفیتی هزینه‌گرایانه داشته و فقدان نهاد های مدنی در جامعه به تولید آن دامن زده است.

فوران ایده‌ها رخ داد که یکی از مفیدترین و در عین حال وحشتناک‌ترین آنها ظهور شبکه‌های اجتماعی بود. ایجاد فضای رسانه‌ای جدید و افزایش قدرت مخاطبان، فرصت قابل توجهی برای رشد فرهنگ سلبریتی ایجاد کرد. در این میان اینستاگرام که یک شبکه اجتماعی آنلاین موبایلی مبتنی بر به اشتراک‌گذاری عکس و ویدئو است، نقش قابل توجهی داشته است. ماهیت تصویری این شبکه بستر مناسبی برای گردش فرهنگ سلبریتی فراهم آورده چرا که اساساً پدیده سلبریتی

برخاسته از فرهنگ نمایش و دارای ماهیتی تصویری است. فرهنگ مدرن سلبریتی از پیامد های رسانه‌ای شدن فرهنگ و سلطه صنایع فرهنگی بوده و در دنیای غرب قدمتی طولانی دارد. از نگاه بسیاری از اندیشمندان، فرهنگ سلبریتی در جوامعی به وجود می‌آید که در آن هویت یک مسئله اجتماعی - فرهنگی - سیاسی است. این ویژگی اغلب جوامع امروزی است که در آنها

آنان که چون مرده ماران خفتگانند

فضای خالی از شور و نشاط در دانشگاه ها

مرضیه انبری



دانشجویانی نبودند تا به سان دهی هفتاد و هشتاد تکیه گاه امن اردوگاه های سیاسی باشند و امروز در دولت اعتدال گرایان جنبش دانشجویی تبدیل به آرمان شهر پیرمردها و مملو از آدم کوکی های کور و کر و لال می شود که از آوای عدالت و مبارزه و جهاد به غر زدن درباره ی سلف دانشجویی رسیده اند و پیش زمینه ی ذهنی آن ها از هر فعالیت غیر درسی محدود به کار دانشجویی گرفتن می شود و سیاست و انتقاد را در عرصه ی علنی تابو اما در عرصه ی خیالی و مجازی کنش گری تعریف می کنند. از آذرماه انتظار جشن را می کشند و به لگدمال کردن پرچم قرمز و سفید و آبی جهانخواری که پیش پای مزدورانش سه تن از بهترین جوانان این کشور ذبح شدند به دیده ی تحجر نگاه می کنند و خاطره ی روز دانشجو را در موز دادن سلف خلاصه می کنند! نسل بی حوصله نسلی بود که مهبای نبرد در سنگر دانشگاه می شد و نسل خواب نسلی است که نمونه های نادر آن تمام دوران دانشجویی خود را صرف بیدار کردن بقیه می کنند. کاش نیما بود تا باز بگوید از جماعتی که چون مرده ماران خفته گانند ...

طبقه ی جدیدی از افراد دغدغه گروه های سابق به علت محدوده ی سنی و مکانی، میرا از محافظه کاری بودند و سه قطره خون آن ها اثبات اولین سنگی بود که آمریکا به سمت ایران پرتاب کرد. سه جوانی که هر چند گرایش مارکسیست گونه داشتند اما امروز هر دو طیف لیبرال و انقلابی مدعی میراث آن ها هستند ولی بی راه نیست اگر بگوییم هر دو طیف ارضیه ی شهادت و شهادت آن ها را به خاک می سپارند؛ یکی با جیغ های بنفش و انکار آن چه هست برای مطالبه ی دوباره ی آن! و دیگری با محافظه کاری و دنباله روی ریش سفیدان. مدت زیادی نگذشته است اما برای ۱۰ سال بعد دیگر هیچ سیاستمداری از روزگار جنبش دانشجویی برای بهره برداری سیاسی خود استفاده نمی کند زیرا در دهه ی نود دانشجویانی نبودند که مسیر سیاست خارجه ایران را به سان آبان ۵۸ برای ابدیت تعیین کنند. دانشجویانی نبودند تا بار جنگ و جهاد را به مثابه ی سال های دهه شصت تحمل کنند.

برای صحبت کاری رفته بودم اما دو لیوان چای آوردند. تازه از جلسه برگشته بود و خسته اما از مسئولان مهربان دانشگاه بود. در یکی از اتاق های سبز معاونت فرهنگی دانشگاه پرسید چه خبر و جواب دائمی یک تشکیلی به این سوال همان غرغر همیشگی نداری بود! در پاییز ۱۳۹۸ که از فرت بی بودجه ای برای تشکیلاتی های سیاسی و فرهنگی به مثابه ی حلقه ی کیان جز کتاب خواندن کاری ساخته نبود اما گفت این روزها سپری می شود و من هم قبول داشتم ولی باور نمی کردم همچون کسی، ما را به صبر کردن مقابل این موانع دعوت کند! گفت نسل بی حوصله ای هستیم ولی بعد از چهار سال تنفس در حریم جنبش دانشجویی ایمان داشتم اشتباه می کند. ما نسل به خواب رفته ای بودیم که سقوط خود را دیر باور کردیم و اندک صدای امروز به سان آخرین فریاد کسی بود که پس از یک سقوط طولانی بالاخره به صخره کوبیده شد... سال های خیلی خیلی دور وقتی پله های دانشکده ی فنی تهران به خون سه تن از جوانان این کشور «قندچی، بزرگ نیا، شریعت رضوی» که سودای مبارزه با امپریالیسم جهانی را داشتند آغشته شد.

◀ **امروز در دولت اعتدال گرایان جنبش دانشجویی تبدیل به آرمان شهر پیرمردها و مملو از آدم کوکی های کور و کر و لال می شود که از آوای عدالت و مبارزه و جهاد به غر زدن درباره ی سلف دانشجویی رسیده اند و پیش زمینه ی ذهنی آن ها از هر فعالیت غیر درسی محدود به کار دانشجویی گرفتن می شود**

◀ **گفت نسل بی حوصله ای هستیم ولی بعد از چهار سال تنفس در حریم جنبش دانشجویی ایمان داشتم اشتباه می کند. ما نسل به خواب رفته ای بودیم که سقوط خود را دیر باور کردیم و اندک صدای امروز به سان آخرین فریاد کسی بود که پس از یک سقوط طولانی بالاخره به صخره کوبیده شد...**

چرا ۱۳ آبان روز اسکتبار ستیزی؟

زهرا نوروزی



◀ دانش آموزان معترض به نظام شاهنشاهی در حال حرکت به سمت دانشگاه تهران



◀ سخنرانی کوبنده امام در مخالفت با تصویب لایحه کاپیتولاسیون



◀ تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام

موقت با سفارت آمریکا رابطه دارند و در مورد امور کشور جاسوسی می‌کنند. به همین دلیل دانشجویان انجمن‌های اسلامی عضو دفتر تحکیم وحدت از دانشگاه‌های تهران، پلی تکنیک، صنعتی شریف، شهید بهشتی و... طی یک حرکت اعتراض آمیز سمت لانه‌ی جاسوسی حرکت کردند و بعد از درگیری با ماموران سفارت آنها را گروگان گرفتند. ماموران که از حضور دانشجویان مطلع شده بودند به سرعت مشغول نابود کردن اسناد محرمانه‌ی سفارت شدند اما پس از تسخیر کامل سفارت به دست دانشجویان، ایشان از نابود شدن آن اسناد جلوگیری کردند و پس از مرتب‌سازی آنها را به چاپ رساندند و بین عموم مردم پخش کردند. مردم بعد از مطلع شدن از پشت پرده‌ی فعالیت‌های افراد در سفارت این کار جوانان را تحسین کردند. کسانی هم بودند که خودشان در این تسخیر شرکت کرده بودند و با دانشجویان همراه بودند اما در کمال ناآوری، با تغییر موضع

سیاسی خویش، بعدها این رفتار خود را تقبیح و نقد کردند. نهایتاً این رویدادها ثابت می‌کند که استکبار هیچ گاه از خوی درندگی، ظلم و زور گویی دست بردن نداشته و مترصد روزنه جهت بازگرداندن کشور عزیزمان به ساهای قبل از انقلاب می‌باشد. رهبری بارها در این خصوص به دولت مردان و مردم هشدار داده اند و اینگونه است که ملت ایران برای راهی از چنگال استکبار راه زیادی را طی کرده و هم اکنون که به معنای واقعی به استقلال رسیده است هرگز اجازه نخواهد داد مجدداً مستکبرین با سلطه‌گری بر این سرزمین در قوانین یا امور داخلی کشور دخالت کنند!

امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگ‌های آمریکایی پست‌تر کردند. اگر چنانچه کسی یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او می‌کنند؛ اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست می‌کنند و اگر چنانچه یک آشیپ آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگترین مقام ایران را زیر بگیرد، هیچ کس حق تعرض ندارد.» در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ صدها کماندو به همراه ماموران ساواک به منزل امام در قم حمله و بعد از دستگیری، ایشان را به ترکیه تبعید کردند. روز دانش آموز در تاریخ ۱۳ آبان سال ۱۳۵۷ درست ۱۴ سال پس از تبعید امام(ره) بوده که دانش آموزان مدارس را تعطیل و در پی اعتراض به نظام ستمشاهی به سمت دانشگاه تهران حرکت و در زمین‌های چمن دانشگاه اجتماع کردند. ماموران با گازهای اشک‌آور سعی داشتند که آنها را ساکت کنند اما آنها

◀ **روز دانش آموز در ۱۳ آبان ۵۷ و درست ۱۴ سال پس از تبعید امام بوده که دانش آموزان مدارس را تعطیل و در پی اعتراض به نظام به سمت دانشگاه تهران حرکت و در دانشگاه اجتماع کردند. نتیجه‌ی ایستادگی آنها در مقابل ماموران رژیم ۵۶ نفر شهید دانش آموز بود**

همچنان ندای الله اکبر سراسر می‌دادند و ایستادگی می‌کردند. نتیجه‌ی این ایستادگی ۵۶ نفر شهید دانش آموز بود و به احترام این شهیدان ۱۳ آبان به روز دانش آموز نام گذاری شد. تسخیر لانه‌ی جاسوسی یکسال بعد، در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ جنبش دانشجویی پیرو خط امام که تضاد شدیدی با دولت بازگان و رئیس‌جمهور وقت داشتند، اطلاعاتی به دست آورده بودند که نیروهای دولت

◀ **در بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۸ در ۱۳ آبان سه واقعه‌ی مهم سیاسی رخ داد. تبعید امام خمینی به ترکیه در پی اعتراض به تصویب لایحه کاپیتولاسیون اولین واقعه در سالروز ۱۳ آبان سال ۱۳۴۲ بود. کاپیتولاسیون، حقی است که به اتباع بیگانه داده می‌شود و آنها را از شمول قوانین کشور مستثنی می‌کند.**

به رسمیت شناخته شد اما در سال ۱۳۰۶ تحت فشار افکار عمومی و فضای حاکم بر روابط بین الملل و اعتراض فقها لغو شد اما مجدداً محمدرضا پهلوی سه دهه‌ی بعد نقش احیاگر این قانون را ایفا کرد. این قانون توسط کابینه‌ی اسدالله علم در ۱۳ مهر ۱۳۴۲ توسط مجلس تصویب گشت. امام خمینی(ره) بعد از آگاهی از تصویب این قانون در ۴ آبان سال ۱۳۴۲ طی سخنرانی اقدام به رسوایی این قانون پرداختند. قسمتی از سخنرانی امام خمینی چنین بود: «دولت با کمال وقاحت از این

صلح مظلومانه

بررسی صلح امام حسن بر اساس شرایط آن روزگار

مهديه ديداری

یکی از مهم ترین اتفاقات زندگی امام حسن (ع) صلح ایشان با معاویه - لعنت الله علیه - است. امام حسن مجتبی (ع) تصمیم بر این داشتند که راه پدرشان را ادامه بدهند و معاویه را از خلافت برکنار کنند؛ به همین دلیل فراخوانی برای تشکیل سپاهی علیه معاویه در کوفه و سایر شهرها دادند. در میان سپاهیان امام حسن نفوذیانی از سپاه معاویه بودند که اقدام به شایعه پراکنی، خلاف واقعیت کرده و باعث لغزش و تزلزل و در نهایت خیانت و نفاق میان سپاهیان امام شدند. افراد بسیاری از جمله فرمانده سپاه عبیدالله بن عباس به سپاه معاویه پیوستند. در نتیجه خیانت سپاهیان باعث کم شدن توان روحی و فیزیکی باقی سپاه امام (ع) شد. از طرفی دیگر خوارچ هم دست به آشوب زده بودند و حتی در ساباط مدائن به استراحتگاه امام هجوم بردند و اقدام به غارت و آشوب کردند. آن ها در یک اقدام ننگین نیز دست به ترور امام و زخمی کردن ایشان زدند. ریش سفیدان و بانفوذان عراق و حجاز و برخی از فرماندهان سپاه نامه هایی را با این منظور که حاضرند امام (ع) را وادار به تسلیم کرده و حتی اقدام به کشتن ایشان بکنند، برای معاویه فرستادند. امام حسن مجتبی (ع) که از نفاق ها و خیانت های سپاه خود باخبر بودند با گردآوری و روشن نمودن اذهان آن ها سعی بر این داشتند که قریحه مردانگی و رزم آوری را در آن ها تقویت کنند اما نفوذ نفاق در سپاه، باعث تضعیف آن شده بود بنابراین

سرانجام امام (ع) مجبور به صلح ناخواسته شدند و خلافت را به معاویه واگذار کردند. مفاد صلح نامه ایشان به شرح زیر است: ماده اول: معاویه باید در حکومتش پیرو دستورات قرآن کریم و آموزه های پیامبر (ص) باشد. ماده دوم: معاویه حق انتخاب جانشین را برای حکومت ندارد و پس از او حسن بن علی (ع) و اگر ایشان وفات یافتند حسین بن علی (ع) باید حکومت کند. ماده سوم: بدعت و ناسزا گفتن به امیرالمؤمنین (ع) در حین نماز نباید انجام بگیرد و از نام ایشان به جز نیکی یاد نشود. ماده چهارم: مبلغ پنج

میلیون درهم در بیت المال است که باید زیر نظر امام حسن (ع) خرج بشود. معاویه باید در تقسیم مال، بنی هاشم را از بنی امیه ارجح بدارد؛ همچنین معاویه باید از خراج «دازا بگرد» مبلغ یک میلیون درهم در میان بازماندگان شهدای جنگ جمل و صفین که در رکاب امیر مؤمنان (ع) کشته شدند، تقسیم کند. ماده پنجم: معاویه نباید مردم شام، عراق، حجاز و مخصوصاً اهل عراق را از هر نژادی که باشند به خاطر فعالیت های گذشته بیازارد. معاویه باید امنیت جان و مال و ناموس شیعیان و پیروان علی (ع) را تأمین کند و به هیچ وجه آن ها را نیازارد و حتی کوچک ترین ناراحتی نباید به آن ها وارد شود. حق هر کس به خودش برسد و اموالی که از بیت المال در دست شیعیان است از آن ها پس گرفته نشود. هیچ نوع ناراحتی و حتی کوچک ترین آزار نباید به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و آل پیامبر برسد. و در پایان باید تمامی مفاد صلح نامه به صورت تمام و کمال اجرا بشود و امام حسن (ع) خداوند را شاهد گرفت و تمامی بزرگان و رجال شام هم عقد این عهدنامه را شهادت دادند.

اما ذات پلید هیچ گاه نمی تواند به پیام درستی و راستی گوش فرا دهد. در تمامی مدت حکومت بنی امیه تمامی شیعیان در آزار شدید بنی امیه بودند و حق آنان پایمال می شد. همسر امام حسن با همکاری حکومت معاویه طی توطئه ای غذا و شربت ایشان را مسموم کرده و ایشان را به

شهادت رساندند. معاویه پسر خود، یزید را که فردی شراب خوار بود و دین را ملعبه دسست خود می دانست، به جانشینی برگزید. آنان از اهانت بر اهل پیامبر دست برداشتند و همان طور که اکثریت جهان از واقعه عاشورا باخبرند، این واقعه جنایتی بزرگ علیه راستی و حق بود. آن ها با سومین امام شیعیان به بدترین شکل ممکن رفتار کردند. امام حسن (ع) در زمان خود از سپاهش خیانت های بسیار دید و آسیب های بسیاری بر ایشان وارد شد؛ همان طور

مردم شایعانی را علیه ایشان ترویج می دادند که باعث بدگمانی مردم نسبت به حکومت و ایشان می شد. بنی امیه همیشه از پیشرفت بنی هاشم نگران بود. همان طور که در سقیفه نگران جانشینی امیرالمؤمنین بودند و از میان خود خلاف خواست پیامبر جانشین انتخاب کردند، همان طور هم نمی توانستند امامت فرزند ارشد امام علی (ع) یعنی امام حسن را بپذیرند. البته با این وجود تاریخ همیشه شاهد ایستادگی خاندان پیامبر بوده است؛ چه به صورت تقیه و مخفیانه و چه به صورت قیام باطل مقابله کردند و راه حق را به مردم نشان دادند.

که برای حضرت علی در جنگ نهروان و پیامبر هنگامی که حضرت علی را به عنوان جانشین انتخاب می کردند این خیانت ها صورت گرفت ولی سنت ائمه اطهار و پیامبر اکرم همچنان پابرجاست و هیچ گاه از بین نمی رود و این آسیب ها و فتنه ها نه تنها باعث تضعیف حکومت تشیع نمی شود بلکه همیشه باعث رشد و مقبولیت آن بوده و هست و خواهد بود. صلح امام حسن (ع) بهترین سیاستی بود که در آن زمان اجرا شد.

دوره ی حکومت کوتاه امام حسن (ع) افرادی در میان مردم شایعانی را علیه ایشان ترویج می دادند که باعث بدگمانی مردم نسبت به حکومت و خود ایشان می شد. بنی امیه همیشه از پیشرفت بنی هاشم نگران بودند. همان طور که در سقیفه نگران جانشینی امیرالمؤمنین بودند و از میان خود خلاف خواست پیامبر جانشین انتخاب کردند، همان طور هم نمی توانستند امامت فرزند ارشد امام علی (ع) یعنی امام حسن را بپذیرند. البته با این وجود تاریخ همیشه شاهد ایستادگی خاندان پیامبر بوده است؛ چه به صورت تقیه و مخفیانه و چه به صورت قیام با حکومت های باطل مقابله کردند و راه حق را به مردم نشان دادند. صلح نامه امام حسن (ع) نیز به وضوح این مسئله را بیان می کند که حق حکومت با خاندان پیامبر است

و با وجود اینکه به ذات پلید معاویه آگاه بودند، به آزاری به شیعیان و آل پیامبر (ص) برساند. بنی امیه که همیشه بدعهد و پیمان شکنی خود را اثبات کردند، این بار نیز به هیچ کدام از دستورات امام (ع) عمل نکردند. این جدال همیشگی ثابت کرده است که با مسامحه و نرمش نمی توان با باطل کنار آمد بلکه باید در مقابل آن ایستادگی کرد تا از بین برود.



کودکان در حال کارند

قسمت اول

نگاهی بر تاریخچه پدیده کودکان کار در جهان

معصومه کریمی



معصومه کریمی

کودکان در هر کشوری وبا فرهنگ و ساختار سیاسی ای، آسیب پذیرترین قشر جامعه اند. این آسیب پذیری زمانی به اوج خود می رسد که خانواده به سبب فقر مالی بیش از اندازه و نبود شرایط فراهم ساختن ابتدایی ترین امکانات زندگی، خواراک، پوشاک و مسکن، به اجبار فرزندان خود را راهی چهارراه ها و یا کارخانه ها می کنند اما ریشه این فاجعه به اواخر قرن هفدهم و اواسط قرن هجدهم بازمی گردد.

در آن زمان که ماشین آلات صنعتی باعث شد نیاز به کارگران و کاری بدمی کم و کم تر شود، صاحبان سرمایه و کارخانه ها نیروی کار جدیدی را کشف کردند که نصف کارگران قبلی دستمزد می گرفتند و در صورت عدم پرداخت دستمزد از سوی کارفرما آنچنان قدرتی نیز برای احیای حق خود نداشت. نیروی کار جدید «کودک» نام داشت. کودکانی که در کارخانه ها کار می کردند، مجبور بودند که ساعات مدرسه را هم مشغول به کار در کارخانه باشند؛ بدین ترتیب نه خبری از تحصیل و سواد بود، نه رفاهی در حال و نه آسودگی به آینده. پدیده کار کودکان، خصوصاً در مزارع، پدیده ای رایج بود اما شرایط کار در کارخانه به مراتب سخت تر و غیر قابل تحمل تر برای کودکان بود؛ بدان معنا که یک کودک شاغل در کارخانه علاوه بر دستمزد اندکی که دریافت می کرد، اغلب اوقات مجبور بود ۱۲ تا ۱۸ ساعت در روز و ۶ روز در هفته کار کند. برای اغلب خانوارها این راه تنها راه فرار از مرگ؛ و تلاشی بیپهوده برای ادامه حیات بی روحشان بود.

در آنجا هم تا سال ۱۸۹۹، ۲۸ ایالت قوانینی را برای تنظیم کار کودکان وضع کرده بودند. گام بعدی در آمریکا آن بود که قانونی ملی و سراسری علیه کار کودک وضع شود. در پی این هدف کنگره آمریکا دو قانون را در سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۲۲ وضع کرد هر چند که دادگاه عالی آمریکا هر دو را معایر قانون اساسی دانست اما نهایتاً در سال ۱۹۸۳ کنگره ملی آمریکا «موازین کارمنصفانه» را تصویب کرد. در سال ۱۹۹۹ بیش از ۱۶۰ کشور جهان توافق نامه ای را برای ایجاد نهادی با نام «سازمان بین المللی کار» برای توقف بی رحمانه ترین انواع کار کودک تصویب کردند و این نهاد در سال ۲۰۰۰ در سازمان ملل شروع به کار کرد اما جدای از همه تلاش های ارزشمندی که در طی این روند صورت

تا سال ۱۸۱۰ حدود دومیلیون کودک کار در سنین مدرسه که اکثرشان از خانواده های فقیر بودند بین ۵۰ تا ۷۰ ساعت در هفته کار می کردند. عمق فاجعه بیگاری کشیدن از کودکان را کارخانه ای در ماساچوست آمریکا به نمایش گذاشت؛ به صورتی که باسیم خاردار دیوارها و زمین های اطراف کارخانه را محصور کرده بودند تا مانع فرار پسران زیر دوازده سال شوند که به ازای دریافت دستمزدی بین ۴۰ سنت تا ۱.۱ دلار، شیشه های داغ را برای هر شب کار حمل کنند. این ظلم آشکار خشم کلیسا، گروه های کارگری، معلمان و دیگر اقسشار جامعه را برانگیخت البته در این میان نباید نقش نویسندگان و هنرمندان را در آگاه سازی عموم، نادیده گرفت. دولتمردان بریتانیا اولین سیاستمدارانی بودند که در برابر این موضوع احساس خطر کردند و قوانینی

را علیه کار کودکان وضع کردند. در این کشور در فاصله ی سالهای ۱۸۰۲ الی ۱۸۷۸ میلادی به تدریج قوانینی وضع شد که پیرو همان قوانین ساعات کار کودکان کم شد، شرایط کار ایشان بهبود یافت و حداقل سن مجاز کار کودکان نیز افزایش پیدا کرد؛ اما وضع این قوانین در ایالات متحده آمریکا قدری بیش تر به طول انجامید.

◀ تا سال ۱۸۱۰ حدود دومیلیون کودک کار در سنین مدرسه که اکثرشان از خانواده های فقیر بودند بین ۵۰ تا ۷۰ ساعت در هفته کار می کردند. عمق فاجعه بیگاری کشیدن از کودکان را کارخانه ای در ماساچوست آمریکا به نمایش گذاشت؛ به صورتی که باسیم خاردار دیوارها و زمین های اطراف کارخانه را محصور کرده بودند تا مانع فرار پسران زیر دوازده سال شوند که به ازای دریافت دستمزدی بین ۴۰ سنت تا ۱.۱ دلار، شیشه های داغ را برای هر شب کار حمل کنند. این ظلم آشکار خشم کلیسا، گروه های کارگری، معلمان و دیگر اقسشار جامعه را برانگیخت.

گرفت سوالی مطرح می شود که آیا اگر این قوانین تصویب شوند و یا به اجرا گذاشته شوند چه تأثیری بر وضعیت معیشتی آنها و خانواده اشان می گذارد؟ آیا در کنار این قوانین و تلاش هایی که در حوزه کودکان کار صورت میگیرد قوانین یا تلاشی هم برای بهبود وضعیت خانواده های ایشان صورت می گیرد؟! ادامه دارد...

نگاهی بر عملکرد و نوع سیاست گذاری های مرکز مشاوره دانشجویی

زهرا جوان

با توجه به اهمیت و نقش غیر قابل انکار مراکز مشاوره دانشجویی در دانشگاه ها جهت راهنمایی و کمک رسانی به دانشجویان، به گفت و گو با دکتر لیلا چراغ ملایی، رئیس مرکز مشاوره دانشگاه الزهراء(س)، نشستیم تا با مرکز مشاوره دانشگاه و حوزه فعالیت های آن بیشتر آشنا شویم و به بررسی فرصت ها و چالش های مراکز مشاوره دانشجویی به خصوص مرکز مشاوره دانشگاه الزهراء(س) بپردازیم.

با عرض سلام و احترام خدمت شما.

در ابتدا لطفاً یک توضیح اجمالی در رابطه با مراکز مشاوره دانشجویی و فعالیت های آنها بدهید.

مراکز مشاوره دانشگاه ها، سالهاست که نقشی حیاتی در دوران تحصیلات دانشگاهی برعهده دارند و به روش های گوناگون از جمله مشاوره، آموزش، پیشگیری، مداخله و درمان از رسالت اصلی دانشگاه ها پشتیبانی می کنند.

مراکز مشاوره دانشجویی تا چه حد یک مرکز مشاوره تخصصی پیشرفته هستند؟

مراکز در راستای ارائه خدمات مذکور موظف هستند از کارشناسان نظیر متخصصان مشاوره و روانشناسی، روانپزشکان و مددکاران اجتماعی به صورت حرفه ای و تخصصی استفاده نمایند.

آیا همه نوع خدمات مشاوره ای جهت کمک به دانشجویانی با مسائل مختلف (مشکلات خانوادگی، راهنمایی جهت تحصیل، حل مشکلات پیشرو و...) در مراکز مشاوره دانشجویی ارائه می گردد؟

مرکز مشاوره می تواند چهار نقش اساسی را در خدمت رسانی به جامعه دانشگاهی ایفا نماید:

۱. ارائه خدمات مشاوره ای، درمانی و توانبخشی به دانشجویانی که مشکلات و اختلالاتی را در سازگاری فردی، حرفه ای، تحولی یا روانشناختی خود تجربه می کنند و نیاز به توجه و مداخله های ویژه و تخصصی دارند.

۲. ارائه خدمات پیشگیرانه؛ یعنی کمک رسانی به دانشجویان جهت شناسایی، یادگیری و تقویت توانمندی ها و مهارت هایی که از ابتلاء آنان به مشکلات روانشناختی و آسیب های روانی-اجتماعی ممانعت می کند

۳. ارتقا سلامت روان دانشجویان جهت دستیابی به اهداف آموزشی، فردی و اجتماعی و حرکت در جهت آرمان های زندگی

۴. مشارکت در ایجاد فضایی سالم، امن و آرام در دانشگاه از طریق ارائه مشورت به واحدها و نهادهای مختلف دانشگاه

مراکز مشاوره دانشجویی فرصت ها و چالش ها

بسیاری از دانشجویان ممکن است در ابتدا ورود به دانشگاه جهت سازگاری و برقراری تعامل و نحوه ارتباط گیری صحیح با مشاغل مواجه شوند. بفرمایید اقدامات مرکز مشاوره دانشجویی در این زمینه چیست؟

مرکز مشاوره دانشجویی می بایست بر مبنای نیازهای تحولی دانشجویان برنامه ریزی نماید. برنامه ها و کارگاه های مرکز مشاوره در ارتباط غنی سازی روابط بین فردی، ارتباط موثر، شکست عاطفی و ... جهت افزایش دانش و اطلاعات نودانشجویان در این خصوص ترتیب داده شده است.

شرکت در این کارگاه ها داوطلبانه است اما شرکت در کارگاه هایی نظیر مهارت های زندگی به ویژه برای نودانشجویان متقاضی حضور در خوابگاه دانشجویی که نیاز بیشتری به برقراری ارتباط سالم دارند اجباری است.

راهنمایی دانشجویان در رابطه با شناخت علائق و استعداد ها و مسیر حرفه آینده در مراکز مشاوره دانشجویی به چه صورت انجام می پذیرد؟

در بدو ورود دانشجویان به دانشگاه ممکن است مراکز مشاوره دانشجویی برای دانشجویان ناشناخته باشند و دانشجو نداند هنگام مواجه با یک مسئله یا دریافت راهنمایی به کجا باید مراجعه کند. مرکز مشاوره دانشجویی در این زمینه چه اقداماتی کرده است؟

۱. اجرای طرح پایش سلامت روان دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه؛ طبق این طرح پس از تکمیل کارنامه سلامت روان نودانشجویان موظف هستند کارنامه مربوطه را شخصاً به مرکز مشاوره دانشجویی ارائه دهند و راهنمایی های لازم را دریافت نمایند.

۲. اختصاص میز مرکز مشاوره دانشجویی در روز ثبت نام ورودی های جدید برای معرفی خدمات مرکز مشاوره دانشجویی

۳. تهیه بروشور معرفی مرکز مشاوره دانشجویی و توزیع در برنامه های مختلف

۴. برگزاری کارگاه های مهارت های زندگی توسط مراکز مشاوره دانشجویی و الزام شرکت در کارگاه ها برای نودانشجویان متقاضی دریافت خوابگاه دانشجویی

می شود.

یکی از اهداف مراکز مشاوره دانشجویی کمک به دانشجویان جهت رویارویی و مقابله با مشکلات است. مراکز مشاوره در این زمینه چگونه به دانشجویان کمک می کنند؟

بستگی به نوع مشکلات کمک مرکز مشاوره دانشجویی نیز متفاوت است. اگر مشکل تا حدی زیاد باشد که امکان رفتارهای خودآسیب رسان باشد مرکز مشاوره به صورت اورژانسی وارد عمل می شود اما اگر سطح مشکلات کمتر باشد می تواند از افزایش مهارت ها، آموزش های لازم و مشاوره و درمان یا خدمات مددکاری استفاده نمود.

مرکز مشاوره دانشجویی تا چه حد پیگیر مشکلات دانشجویان تا هنگام اثر بخشی مشاوره می باشد؟

معمولاً مرکز مشاوره دانشجویی پیگیری مشکلات دانشجویان با نظر سنجی که پس از هر مراجعه از دانشجویان دارد اثر بخشی مشاوره را پیگیری می کند در صورت احتمال بروز رفتارهای خودآسیب رسان در دانشجویان و یا نیاز به پیگیری جدی مساله، واحد مددکاری اجتماعی مرکز مشاوره دانشجویی وارد عمل شده و مشکل دانشجویان را تا هنگام اثر بخشی و کاهش احتمال آسیب پیگیری می کند. در بقیه موارد از خود دانشجویان خواسته می شود که پیگیری کنند.

مشاوران مرکز مشاوره دانشجویی تا چه حد در زمینه فعالیت خود زبده بوده و دانشجویان می توانند با خیالی آسوده جهت دریافت راهنمایی به این مراکز مراجعه کنند؟

مانند تمام مراکز مشاوره این یک مساله نسبی است. مشاوران و روانشناسان مرکز مشاوره می باید مجوز سازمان نظام مشاوره و روانشناسی کشور را دریافت کنند و سپس اقدام به مشاوره نمایند. هر مشاور یا روانشناس ممکن است در زمینه فعالیتی تخصص و تجربه کافی داشته باشد و در زمینه دیگر خیر. این مسئله کاملاً نسبی و بستگی به مشکل دانشجویان دارد. علاوه بر این مشاوران و روانشناسان طبق قانون سازمان نظام روانشناسی کشور و همچنین تحت نظارت دفتر مشاوره و سلامت وزارت علوم به طور منظم مورد بازآموزی قرار می گیرند.

آیا مرکز مشاوره دانشجویی برای هر دانشجویان و زمان کافی را دارد؟

طبق استانداردهای سازمان نظام مشاوره و روان شناسی و کل دنیا وقت مشاوره تنظیم می شود و برای هر جلسه مشاوره ای بین ۳۰-۴۵ دقیقه زمان صرف می شود.

هزینه هر جلسه مشاوره در مرکز مشاوره دانشجویی به چه صورت بوده و این هزینه ها بر چه اساس مشخص می شوند؟

این مساله برای دانشجویان، کارکنان و آزاد متفاوت است.



در مرکز مشاوره ما با توجه به عدم حضور مشاورین شغلی این نوع مشاوره کمتر انجام می گیرد.

آیا مراکز مشاوره دانشجویی جهت کمک هر چه بهتر به دانشجویان با آموزش دانشگاه در ارتباط است؟ چگونه؟

بله، ما با دانشجویان سروکار داریم و یکی از مهم ترین نیازهای ایشان مسایل آموزشی است به ویژه زمانی که فرد به دلیل مشکلات روانشناختی/خانوادگی دچار مشکلات تحصیلی شده است و نیاز به حذف درس، حذف ترم و یا گرفتن مرخصی تحصیلی دارد. وی پس از ثبت درخواست آموزشی مربوطه به مرکز مشاوره مراجعه می کند تا مشکلات روانشناختی و خانوادگی وی مورد بررسی قرار گیرد و در صورت تایید نامه تایید مشکلات برای واحد آموزش دانشگاه ارسال خواهد شد تا با دانشجویان همکاری لازم انجام شود. همچنین اگر نیاز به دفاع از دانشجویان در کمیسیون موارد خاص دانشگاه باشد، این مساله توسط رئیس مرکز مشاوره دانشگاه انجام می گیرد.

یکی از وظایف مراکز مشاوره دانشجویی بررسی سلامت روان دانشجویان جدیدالورود است. آیا مراکز مشاوره در این زمینه فعالیت به خصوصی دارند؟

بله طرح پایش سلامت روان دانشجویان ورودی جدید را در بدو ورود اجرا می کنیم و دانشجویان با در دست داشتن کارنامه سلامت روان خود، گزارش دهی از وضعیت سلامت روان خود دارند و علاوه بر آشنایی با مرکز مشاوره دانشجویی در بدو ورود، در صورت نیاز به مداخله و پیگیری شناسایی می شوند.

از نظر شما این امر (بررسی سلامت روان دانشجویان) صرفاً در ابتدای سال باید انجام شود یا تا فارغ التحصیلی دانشجویان باید ادامه یابد؟ چرا؟

بهتر است به طور سالیانه اجرا شود اما متأسفانه با توجه به کمبود نیروی متخصص و همچنین این مساله که همه ساله دانشجویان جدید وارد دانشگاه می شوند و نیاز به بررسی و مداخله دارند این کار عملیاتی نیست و تنها به پیگیری دانشجویان شناسایی شده و یا دانشجویانی که داوطلبانه به مرکز مشاوره دانشجویی مراجعه می کنند اکتفا

برای مراکز مشاوره دانشجویی ایجاد می نماید.

هیئت علمی و آزاد نیز می باشد اما مساله اینجاست که اولویت به دانشجویان داده می شود و در زمان تعیین وقت زمان دانشجویان اولویت دارند.

نظر شما در رابطه با تحول مراکز مشاوره جهت ارتقای کارآمدی چیست؟ این تحول به چه صورت می تواند باشد؟ استفاده از نیروهای بیشتر با خدمات متنوع تر، امکان تبادل مشاوران/روانشناسان دانشگاه های مختلف برای تبادل تجارب و دانش، امکان ارتباط با مراکز مشاوره دانشجویی خارج از کشور می تواند منجر به تحول مراکز مشاوره دانشجویی و ارتقای کارآمدی آن شود.

با توجه به چالش های پیشرو مراکز مشاوره دانشجویی آیا ایجاد ساختار های جدید در همین راستا می تواند کمک کننده باشد؟

ساختار مراکز مشاوره دانشجویی مطابق استاندارد سازمان نظام روانشناسی کل کشور و مطابق استانداردهای جهانی می باشد و شامل تیمی متشکل از روانشناسان، مشاوران، روانپزشکان و مددکاران اجتماعی است. در صورت تغییر این ساختار در جهان و سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران در مراکز مشاوره دانشجویی نیز این تغییر اعمال خواهد شد.

با توجه به چالش های مراکز مشاوره دانشجویی و آنچه تا کنون گفته شد از نظر شما چگونه میتوان اثرگذاری مراکز مشاوره را در دانشگاه بهبود بخشید و از فرصت های مغفول مانده این مراکز بهترین استفاده را نمود؟

بله، حتما همیشه نیاز به اصلاح و پیشرفت و ارتقای فعالیت و استفاده از فرصت های مغفول مانده است. این کار نیاز به به روزرسانی دانش، تبادل اطلاعات و تجربیات و استفاده صحیح از آن ها می باشد.

چنانچه موضوعی در رابطه با چالش ها و فرصت های مراکز مشاوره دانشجویی مد نظرتان هست که در سوالات پرسیده نشد لطفا ذکر فرمایید.

در مورد اعتماد دانشجویان به مراکز مشاوره دانشجویی با توجه به حضور مراکز مشاوره در داخل دانشگاه ها همواره مسائلی مطرح است و دانشجویان دغدغه هایی دارند که در زمینه نیاز به اطلاع رسانی دقیق است که مراکز مشاوره دانشجویی نیز همان تعهدات اخلاقی و حرفه ای تمام روانشناسان و مشاوران را رعایت می کنند و در زمینه حفظ محرمانه بودن اطلاعات و مشکلات دانشجویان مشابه تمام روانشناسان/مشاوران آموزش های لازم را دیده اند.

از همکاری شما سپاسگزارم

در مرکز مشاوره دانشجویی ما برای دانشجویان هر جلسه ۲۰۰۰ تومان برای کارکنان ۷۰۰۰ تومان و آزاد ۲۰۰۰ تومان محاسبه می شود.

این هزینه ها معمولا بر اساس دستورالعمل دفتر مشاوره و سلامت وزارت علوم تعیین می شوند.

یکی از چالش های پیشرو مراکز مشاوره دانشجویی، عدم شناخت و یا عدم همکاری خانواده دانشجویان با این مراکز می باشد. در این رابطه آیا تمهیداتی اندیشیده شده است یا خیر؟

معمولا در مواقعی که مورد نیاز به دخالت خانواده باشد از خود دانشجو خواسته می شود که این ارتباط را برقرار نموده و از خانواده دعوت نماید که در جلسات مشاوره و درمان حضور پیدا کنند اما در مواقع اضطراری نظیر احتمال آسیب به خود جدی که توسط روانشناس یا روانپزشک تشخیص داده می شود ممکن است از راه های دیگر با خانواده دانشجویان ارتباط برقرار شود و از کمک های حمایتی ایشان جهت نجات جان دانشجو استفاده نمود

شما به عنوان فردی که سال ها در مراکز مشاوره دانشجویی مشغول به خدمت بوده اید چه چالش هایی را در برابر این مراکز می بینید؟ آیا تا کنون اقدامی جهت برطرف نمودن این چالش ها انجام شده است؟

با توجه به پایین بودن تعرفه مشاوره در این مراکز ما با خیل انبوه مراجعان مواجه هستیم و با توجه به محدود بودن مشاوران/روانشناسان و همچنین محدودیت های فیزیکی امکان خدمت رسانی به همه عزیزان با مشکل مواجه می شود.

از طرفی با توجه به بالا بودن هزینه ها در مراکز مشاوره خارج از دانشگاه بسیار بالا بوده و امکان ارجاع از مشاوران داخل دانشگاه گرفته می شود و به ویژه در مواردی که با مشکلات مالی دانشجویان مواجه هستیم خدمات می باید در داخل مجموعه ارائه شود که این مساله چالش های اساسی

از نظر شما می توان چالش ها را تبدیل به فرصت نمود؟

چگونه؟

بله با در نظر گرفتن خدمات بیمه ای برای مراکز مشاوره خارج از دانشگاه و تحت پوشش قرار دادن مراکز خارج از دانشگاه می توان این چالش خیل انبوه مراجعان را به فرصت تبدیل نمود.

فکر می کنید چه فرصت هایی در رابطه با مراکز مشاوره دانشجویی وجود دارد که همچنان مغفول مانده اند؟ برای احیا این فرصت ها آیا راه حلی مدنظر دارید؟

مراکز مشاوره دانشجویی با توجه به حضور در دانشگاه ها و آشنایی با رشته های تحصیلی مختلف می توانند در انتخاب رشته های تحصیلی برای داوطلبان کنکور کارشناسی نقش موثرتری ایفا نمایند تا دانشجویان با دید بازتری نسبت به انتخاب رشته های تحصیلی خود اقدام نمایند.

حضور هر چه فعال تر مراکز مشاوره دانشجویی در سطح دانشگاه از نظر شما چگونه می تواند انجام گیرد؟

معرفی بهتر خدمات مراکز مشاوره دانشجویی و آشنایی بیشتر دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی به ویژه کارشناسان بخش های مختلف دانشگاه می تواند منجر به حضور فعالتر مراکز مشاوره دانشجویی در سطح دانشگاه شود.

آیا فعالیت مراکز مشاوره دانشجویی در داخل دانشگاه و مشاوره به دانشجویان محدود می شود یا در خارج دانشگاه نیز می توانند نقش آفرین باشند؟

همان طور که پیش تر نیز اشاره شد خدمات مراکز مشاوره دانشجویی به داخل دانشگاه و مشاوره به دانشجویان محدود نمی شود و ویژه کارکنان، اعضای





دنیای ناشناخته

فاطمه شاملو جانی بیگ

از دنیای واقعی در مجازی رو به رو می شوند و حتی زندگی واقعی خودشان را با معیار های نمایش داده شده مجازی مقایسه می کنند و حتی در مواقعی فضای مجازی توانایی بسیار بالایی در عوض کردن ارزش ها و عقاید اشخاص دارد. به گونه ای که نتایج مطالعات صورت گرفته نشان می دهد که حضور بیش از حد در فضای مجازی منجر به کم رنگ شدن فرهنگ ایرانی-اسلامی در درون خانواده ها شده است. این موضوع آسیب های فرهنگی زیادی را به سطح جامعه وارد کرده است.

به عبارتی تاثیر این شبکه ها در کشور ایران برابر با ۶۹.۸ درصد (۱۰ درصد بیش از میانگین جهانی) برآورد شده است؛ که براساس نتایج برخی از تحقیقات میزان استفاده مردان نسبت به زنان (به ویژه در طول روز) بیشتر است و این امر به طور حتم در بلندمدت اختلال در فعالیت های اجتماعی را در پی دارد. اگرچه بسیاری از مزیت های این صنعت تاثیرگذار نظیر گسترش ارتباطات، کاهش هزینه های اقتصادی، توسعه عدالت رسانه ای، به روزرسانی اطلاعات و افزایش آگاهی عمومی را نباید نادیده گرفت اما تعارض ارزش ها و باورها، شکاف نسل ها، هنجارشکنی، اعتیاد و اختلالات شخصیتی، کاهش ارتباطات اجتماعی در دنیای واقعی، سوء استفاده های جنسی، شبهات فکری-اعتقادی، تجاوز به حریم شخصی و... نیز از آسیب های این فضا محسوب می شود. در پایان اگر بخواهیم از فضای مجازی به عنوان یک فرصت خوب برای ارتباط استفاده کنیم باید توجه داشته باشیم که مدت زمانی که در آنجا می گذرانیم از وقت های زندگی واقعی ما کسر می کند؛ پس چه خوب است با کسب سواد رسانه ای بین دنیای واقعی و مجازی مان اعتدال را برقرار کنیم تا در این دنیای ناشناخته به سردرگمی نرسیم.

اطلاعاتی مجازی ذهن افراد را خسته و وارد چالش های بسیاری می کند به گونه ای که فرد هنوز تعارضی که برایش ایجاد شده را پاسخ نداده، وارد تعارض بعدی می شود و به سردرگمی می رسد اما آسیب دیگری که متوجه این فضا است قطع شدن پیوند عاطفی کاربران با دنیای واقعی است. فضای فریبنده مجازی ما را از پرداختن به روابط واقعی مان بازدارد به همین دلیل است که ما افسردگی و نیهیلیسم را در انسان امروز بیش از پیش مشاهده می کنیم. نکته دیگری که حائز اهمیت است بحران های هویتی است که برای کاربران به خصوص طیف نوجوان در صورت استفاده نادرست و عدم برخورداری سواد رسانه ای کافی ایجاد می شود. هویت یک فرد از سه بعد شخصی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شده است. هویت شخصی، ویژگی های منحصر به فرد یک شخص است. هویت اجتماعی در اثر ارتباط با گروه های مختلف شکل گرفته و متأثر از آن هاست و هویت فرهنگی، باورها و اعتقادات فرد است که از بدو تولد و در اثر تعاملات محیطی در او شکل گرفته است. قرار گرفتن در محیط مناسب خانوادگی، اجتماعی و همسالان منجر به شکل گیری هویتی سالم در یک فرد خواهد شد. سنین نوجوانی، سنینی است که در آن هویت اصلی فرد شکل می گیرد و متأسفانه اکنون اکثر نوجوانان بیشتر وقت خود را در فضای مجازی و در ارتباط با افراد ناشناس در این فضا می گذرانند. این فضا صحنه ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد در آن می تواند خود را در نقش های متفاوت قرار دهد و این امر منجر به چند شخصیتی شدن او خواهد گردید. فضای مجازی فضایی است که هویت شخصی و مشخصات فردی قابل پنهان کردن است و قرار گرفتن در نقش های گوناگون به ویژه در سنین نوجوانی منجر به شکل گیری هویت ناسالم و اختلالات شخصیتی آنان می گردد زیرا کاربران بعضاً با تصاویر رویایی

دنیای امروز عصر ارتباطات نوین است. عصری که ما انسان ها در هر نقطه ی این کره خاکی و از هر تیپ و جایگاهی می توانیم در عین فاصله زیاد کنار هم باشیم. ممکن است انسانی در شرق با انسانی در غرب پیوند بخورد و دلیل آن، عاملی مشترک است که زندگی تمام مردم جهان را کنار یکدیگر قرار داده و آن دنیاییست تحت عنوان فضای مجازی. فضای مجازی متشکل از شبکه های اجتماعی گوناگونی است که این رشته ارتباطی گسترده را پدید می آورند. اولین شبکه های اجتماعی مربوط به اوایل قرن ۱۸ میلادی است. درست زمانی که افراد بخشی از وقت خودشان را صرف مطالعه آراء و نظرات گوناگون افراد یا اخبار دنیای بیرون می کردند. درست مانند اینکه یک صفحه مجازی را طی مدت زمان طولانی در اختیار افراد می گذاشتند تا هر یک نظرات و تحلیل خود را در یک موضوع بیان کنند و نشر دهند اما امروزه شبکه های اجتماعی و فضای مجازی جزء جدا ناپذیر زندگی ما شده اند به گونه ای که اصلاً با گذشته قابل قیاس نیست. می توان گفت جهان مجازی به موازات جهان واقعی در جریان و حرکت است و حتی در مواقعی فراتر از دنیای واقعی پیش می رود. این دنیای جدید همان طور که توانسته افراد را به یکدیگر نزدیک کند به همان تناسب باعث دوری از پیوندهای صمیمی گذشته شده است. این تحول حتی قوانین سیاسی و حقوقی کشورهای مختلف جهان را هم متحول نموده است.

یکی از آسیب های فضای مجازی صدمه ای است که همزمان به جسم و ذهن افراد وارد می کند؛ به گونه ای که میشل فوکو فیلسوف از لفظ هتروتوپیا در توصیف چنان فضاهایی که به طور همزمان فیزیکی و ذهنی هستند استفاده می کند. بنابراین آسیب هایی نظیر یکجانشستن و یادگیری ذهنی افراد را مجموعه وسیعی از داده های

من کیستم؟

هویت یابی در نوجوانی

ترکمان سلامی

به این پرسش‌ها آسان نیست و با مقداری تشویش همراه است. اریکسون معتقد است برای انسجام بخشی فرد پیش از اینکه مسئولیت‌های زندگی بزرگسالی را بپذیرد، به یک دوره برای تأمل و تفکر نیاز دارد که اگر صورت نگیرد نوجوان نمی‌تواند هویتی منسجم و

یکپارچه پیدا کند و در نتیجه نمی‌تواند به شغل و مسائلی دست یابد و وارد اجتماع بشود. نوجوان همواره حول محور هویت یابی، از سردرگمی هویت به دستیابی هویت و از بحران زندگی به ثبات و آرامش در تعلیق است. آنچه مهم است این است که در پایان نوجوان بتواند به کسب هویتی صحیح

طول رشد شخصیت فردی بارز و مسلم است و از سوی دیگر اهمیت نقش هویت یابی در این دوره به عنوان اساسی‌ترین اصل، غیرقابل انکار می‌نماید. نوجوان می‌داند که به زودی باید مسئولیت زندگی خویش را به عهده بگیرد و از همین رو دائماً از خود می‌پرسد: من

کیستم؟ باید چگونه زندگی کنم؟ چه حرف‌هایی را انتخاب کنم؟ در ارتباط با جنس مخالف و زندگی عادی چه خواهم کرد؟ باید با کدام باورها و ارزش‌ها زندگی کنم؟ پاسخ

کم نیستند نوجوانانی که به دلایل متعدد که یکی از آن‌ها می‌تواند عدم هویت یابی صحیح در این دوران دانست همچنان اهداف و مسیر زندگی خود را نیافتند و گاهی در باتلاقی از سردرگمی دست و پا می‌زنند. از این رو با توجه به اهمیت دوره‌ی نوجوانی در

رشد شخصیت با دریافت هویت و هویت یابی در این دوره، در این نوشتار بر لزوم شناخت این مهم به عنوان عامل اساسی سلامت رشد شخصیت می‌پردازیم. دوره‌ی نوجوانی به عنوان آستانه‌ی شکل‌گیری شخصیت فردی از مهم‌ترین مراحل رشد شخصیت است. از یک سو اهمیت این دوره در

اریکسون معتقد است برای انسجام بخشی فرد پیش از اینکه مسئولیت‌های زندگی بزرگسالی را بپذیرد، به یک دوره برای تأمل و تفکر نیاز دارد که اگر صورت نگیرد نوجوان نمی‌تواند هویتی منسجم و یکپارچه پیدا کند و در نتیجه نمی‌تواند به شغل و مسائلی دست یابد و وارد اجتماع شود.

اهمیت نقش هویت یابی در این دوره به عنوان اساسی‌ترین اصل، غیرقابل انکار می‌نماید. نوجوان می‌داند که به زودی باید مسئولیت زندگی خویش را به عهده بگیرد و از همین رو دائماً از خود می‌پرسد: من کیستم؟ باید چگونه زندگی کنم؟ چه حرف‌هایی را انتخاب کنم؟ باید با کدام باورها و ارزش‌ها زندگی کنم؟ در ارتباط با جنس مخالف و زندگی عادی چه خواهم کرد؟

و فرهنگی هویت متناسب با شرایط محیط زندگی خود را کسب می کنند. همچنین والدین نیز در چگونگی شکل گیری هویت والدینشان دلبسته هستند، اما در عین حال آزادند تا عقاید خودشان را بیان کنند، هویت کسب کرده و یا در حالت وقفه هویت هستند.

نوجوانانی که از هویت تسلیم طلب برخوردارند، معمولاً روابطی صمیمی با والدین دارند، اما از فرصت جدا شدن سالم بی بهره اند و نوجوانان تأثیر زیادی دارند. کودکانی که از خود درک سالمی دارند، از والدینی برخوردارند که حمایت عاطفی و آزادی کاوش کردن برای آن ها تأمین می کنند. همین طور، در صورتی که «خانواده پایگاه امنی» باشد که نوجوانان بتوانند با اطمینان از این پایگاه به سوی دنیای بزرگ تر پیش بروند، رشد هویت تقویت می شود، نوجوانانی که احساس می کنند به نوجوانانی که دچار پراکندگی هویت هستند، از کمترین رابطه صمیمانه و ارتباط آزاد در خانواده خبر می دهند. مدرسه، دیگر عامل مؤثر بر نحوه شکل گیری هویت است. موفقیت تحصیلی در طول سال های مدرسه و قبول شدن بعدی نوجوانان در دانشگاه، راه های زندگی آینده او را هموارتر می سازد و از نظر هویت حرفه ای نیز اطمینان بیشتری برای او ایجاد می کند. همچنین تحصیلات مدرسه ای و دانشگاه معمولاً اطلاعاتی را در اختیار نوجوانان قرار می دهد که برای شکل گیری هویت آنان مفید است. الگوبرداری از سایر دانش آموزان و دانشجویان نیز تا اندازه ای در رشد هویت نوجوان مؤثر است. علاوه بر موارد بالا عوامل دیگری مانند عوامل شناختی، رفتار خود نوجوان، گفتگو در جریان تعارضات با بزرگسالان و خیال پردازی نوجوانان نیز در چگونگی رشد هویت نوجوان تأثیر دارد.

◀ نوجوان زمانی دچار وقفه هویت می شود که در حال کشف این نکته است که چه کسی است؟ اما نمی تواند تصمیم نهایی را بگیرد و تا زمانی که تمام راه های ممکن را کشف کند؛ همواره در حالتی دوگانه به سر می برد. این گروه از افرادی تشکیل شده است که مضطرب، زنده دل، باهوش و رقابت طلب هستند.

در هویت یابی زودرس یا پیش رس نوجوان متعهد به تصمیم گیری است اما بدون تلاش. معمولاً این افراد هویت حاضر و آماده ای را پذیرفته اند که صاحبان قدرت یعنی معلمان و نیز در برخی موارد والدین آن ها، برایشان انتخاب کرده اند. این توجه داشت که عوامل فرهنگی، اجتماعی تاریخی نیز بر چگونگی شکل گیری هویت نوجوانان تأثیر زیادی دارند.

همچنین والدین نیز در چگونگی شکل گیری هویت والدینشان دلبسته هستند، اما در عین حال آزادند تا عقاید خودشان را بیان کنند، هویت کسب کرده و یا در حالت وقفه هویت هستند.

به مرحله کسب هویت نرسند و دچار سردرگمی در هویت، تعلیق هویت و یا هویت پیش رس شوند؛ و در این زمان است که عدم هویت یابی می تواند مسبب بحران های مختلفی برای نوجوان شود.

در سردرگمی هویت نوجوان نه تنها تعهدی برای رسیدن به هویت بلکه هیچ علاقه ای هم به این امر ندارد. وی معمولاً جذب رفتارهای منفی همسالان می شود؛ یعنی به عضویت گروه هایی مثل بزهکاران و مجرمان درمی آید. در این گروه نوجوانانی وجود دارند که فاقد هرگونه تصمیم و فکر و ایده هستند و در رابطه با آینده شغلی و زندگی خود بی قیدانه تصمیم می گیرند. در این گروه توان نوجوان زمانی دچار وقفه هویت می شود که در حال کشف این نکته است که چه کسی است؟ اما نمی تواند تصمیم نهایی را بگیرد و تا زمانی که تمام راه های ممکن را کشف کند؛ همواره در حالتی دوگانه به سر می برد. این گروه از افرادی تشکیل شده است که مضطرب، زنده دل، باهوش و رقابت طلب هستند. در هویت یابی زودرس یا پیش رس نوجوان متعهد به تصمیم گیری است اما بدون تلاش. معمولاً این افراد هویت حاضر و آماده ای را پذیرفته اند که صاحبان قدرت یعنی معلمان و نیز در برخی موارد والدین آن ها، برایشان انتخاب کرده اند. این گروه تلاشی را انجام نداده اند و لسی با این وجود به یک سری اهداف و ارزش ها تعهد دارند که

اغلب آن ها از سوی والدین آن ها تحمیل شده است. در این گروه نوجوانانی وجود دارند که به شدت نیازمند

تاییدات دیگران

هستند چرا که هویتشان از پیش تعیین شده است. باید توجه داشت که عوامل فرهنگی، اجتماعی تاریخی نیز بر چگونگی شکل گیری هویت نوجوانان تأثیر زیادی دارند. نوجوانان متعلق به فرهنگ ها و نقاط مختلف، تحت تأثیر زمینه اجتماعی

◀ در سردرگمی هویت نوجوان نه تنها تعهدی برای رسیدن به هویت بلکه هیچ علاقه ای هم به این امر ندارد. وی معمولاً جذب رفتارهای منفی همسالان می شود؛ یعنی به عضویت گروه هایی مثل بزهکاران و مجرمان درمی آید. در این گروه نوجوانانی وجود دارند که فاقد هرگونه تصمیم و فکر و ایده هستند و در رابطه با آینده شغلی و زندگی خود بی قیدانه تصمیم می گیرند.

دست یابد. نوجوانانی که به مرحله کسب هویت نائل می شوند پس از چندین سال تلاش و جست و جو

شغل خود را انتخاب کرده و نسبت به آن متعهد هستند و برای آینده خود برنامه ریزی می کنند. لذا در شرایط فشار مقاومت خوبی از خود نشان می دهند و افرادی خودمختار به شمار می آیند. در این گروه افراد از ظرفیت های بالایی برای ایجاد روابط صمیمی با دیگران برخوردارند. به طور کلی روابط مطلوبی با والدین دارند و می توانند عقاید خود را آزادانه بیان کنند و در عین حال دلبسته والدین خود هستند. اما متأسفانه به دلایل مختلف ممکن است همه نوجوانان



عشق با اسانس توت فرنگی

نقدی بر سریال مانکن

ترکمان سلامی

است که می‌توان به عنوان جنبه‌های مثبت مانکن به آن نگر بست. در کنار سایر انتقادهای وارده به این سریال، نکته‌ای که خالی از لطف نیست به آن نگاهی بیندازیم نام این سریال است، مانکن. به راستی چه چیزی موجب شده است تا نام این سریال مانکن نام بگیرد. شاید بهتر باشد نگاهی بیندازیم و ببینیم که مگر مانکن‌ها چگونه اند؟ با توجه به آنچه اغلب ما در رابطه با تعریف مانکن در پس ذهنمان داریم می‌توان گفت مانکن‌ها اراده و اختیاری از خود نداشته و تنها شمایلی شبیه به انسان دارند. صاحبان آنان، آنها را در هر زمانی بدون هیچگونه اجازه و یا حتی چانه و بحثی هر کجا که بخواهند قرار می‌دهند. کاوه از همه‌ی ویژگی‌های یک مانکن فقط یک مورد آن را دارد و آن هم این است که وی هر آنچه را که کتابیون از او می‌خواهد را انجام دهد اما در ادامه فیلم می‌توان دید که کاوه از لحاظ عاطفی و جنسی آزاد بوده و خود در مواردی قدرت اختیار و انتخاب را داراست. بنابراین اگر چه مانکن به علت اینکه روایت گر برخی مشکلات جامعه است بینندگان زیادی را به خود جذب کرده، اما از دیگر سو به علت آسیب شناسی سطحی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی انتقاد فراوانی را نیز از سوی منتقدان در پی داشته است، و ظاهراً عوامل فیلم اعتقادی به به کارگیری خلاقیت در بیان داستان نیز نداشته‌اند. اما با توجه به اینکه قسمت‌هایی از این فیلم باقی مانده است همچنان باید منتظر ماند و دید که داستان فیلم در نهایت چگونه پایان خواهد یافت و خواهد توانست در ادامه موفق عمل کند یا خیر.

سریال مانکن به نابرابری اقتصادی طبقه‌های مختلف جامعه و قیاس افراد توانمند نسبت به طبقه کم‌درآمد جامعه می‌پردازد. داستان سریال درباره پسر فقیر به نام کاوه (امیر حسین آرمان) است که عاشق دختری به نام همتا می‌باشد. اما این دو بخاطر دست‌تنگی، اجاره‌نشینی و قرض‌های پدر زندانی کاوه با چالش‌های مختلفی روبرو می‌شوند. از همین رو کاوه دست به خودفروشی‌ها ظاهر شرعی می‌زند؛ و زنی پولدار به نام کتابون (مریلا زارع) او را می‌خرد تا همسر او باشد و در عوض بدهی‌های کاوه را پرداخت می‌کند. در ادامه نیز اتفاقات دیگری در کنار داستان اصلی فیلم به وقوع می‌پیوندند. یکی از نقاط قوت این سریال علاوه بر نشان دادن نابرابری‌های اقتصادی طبقات مختلف جامعه، پرداختن به ساختار و جایگاه ویژه خانواده در جامعه است. همچنین بارز نمودن و تفکیک درآمدهای حلال و حرام که در جامعه ایران از جمله مسائل کلیدی و مهم به شمار می‌رود نیز از جمله مواردی

تمایل فراوان فیلمسازان و سریال‌سازان برای ساخت سریال جهت نمایش در شبکه نمایش خانگی سبب افت شدید کیفیت این سریال‌ها شده است. در سال‌های ابتدایی راه‌اندازی شبکه نمایش خانگی، آثاری را می‌توان مشاهده نمود که سهم نسبی در رشد فرهنگ تماشای سریال از طریق شبکه نمایش خانگی داشته‌اند، اما با گذشت زمان شاهد ظهور و بروز سریال‌هایی بسیار سطحی بودیم که در حال ضربه زدن به عرصه سریال‌سازی هستند.

موضوعات سریال‌هایی که امروزه در شبکه نمایش خانگی به نمایش در می‌آیند در اغلب قریب به اتفاق حول مسائل اجتماعی می‌گذرند که یا در دسته موضوعات مهم و اساسی قرار نمی‌گیرند و یا اگر در این دسته قرار دارند زاویه نگاه فیلم‌سازان به آن موضوع غلط، سطحی و مبتذل است.

این سطحی‌نگری تا بدان جا کشیده می‌شود که سریال‌ها به نحو عجیبی تصنعی می‌شوند. سریال ۲۶ قسمتی مانکن جدیدترین سریال شبکه نمایش خانگی به کارگردانی حسین سهیلی، تهیه‌کنندگی ایرج محمدی و فیلم‌نامه‌نویسی بابک کایدان است. حسین سهیلی که کارگردانی سریال‌های تلویزیونی پرمخاطبی را همچون «آوای باران»، «دلنوازان»، «فاصله‌ها» و را در کارنامه خود دارد، برای اولین بار به کارگردانی یک سریال نمایش خانگی می‌پردازد. این سریال یک ملودرام اجتماعی است که مرزهای سطحی و سخیف بودن را در عرصه سریال‌های شبکه نمایش خانگی چندین رتبه افزایش داده و می‌توان کپی‌برداری این سریال از سریال‌های ماهواره‌ای را به وضوح مشاهده نمود.

در سال‌های ابتدایی راه‌اندازی شبکه نمایش خانگی، آثاری را می‌توان مشاهده نمود که سهم نسبی در رشد فرهنگ تماشای سریال از طریق شبکه نمایش خانگی داشته‌اند، اما با گذشت زمان شاهد ظهور و بروز سریال‌هایی بسیار سطحی بودیم که در حال ضربه زدن به عرصه سریال‌سازی هستند.

موضوعات سریال‌هایی که امروزه در شبکه نمایش خانگی به نمایش در می‌آیند در اغلب قریب به اتفاق حول مسائل اجتماعی می‌گذرند که یا در دسته موضوعات مهم و اساسی قرار نمی‌گیرند و یا اگر در این دسته قرار دارند زاویه نگاه فیلم‌سازان به آن موضوع غلط، سطحی و مبتذل است.

مراقب باشید در فضای مجازی غرق نشوید

در فضای مجازی اگر آدم
درست وارد بشود، خوب است.
اما اگر برود غرق بشود
نه، خوب نیست.
جای خطرناکی است؛ خیلی باید
آدم مراقب باشد.

۳۳
۹۵/۹/۱
رهبر انقلاب

دفتر مشاوره نهادی منابع خبری
پهر انقلاب

KHAMENEI.IR

